

• ابوشهرزاد

وقایع اتفاقیه

سال ۱۳۸۷ هجری خورشیدی

با این که کسی از ما نخواسته ولی خودمان احساس وظیفه کردیم وقایع اتفاقیه سال ۸۷ را به نظر مبارک شما برسانیم آن هم به دو دلیل: اول این که شاید خیلی از شما خوانندگان عزیز فرصت نکرده باشید همه اخبار سال گذشته را لحظه به لحظه، کلمه به کلمه دنبال کنید. دوم این که شاید خیلی از شما خوانندگان عزیز فرصت کرده باشید همه اخبار سال گذشته را لحظه به لحظه، کلمه به کلمه دنبال کنید ولی آن اخبار را «ابوشهرزاد» گونه ندیده و نشنیده‌اید و در نتیجه به تفسیر متقن و موشکافانه دست نیافته‌اید اما وقایع + تفسیر

قدر شناسان

ما حدس قاطع می‌زنیم! مسئول خرید فیلم‌های صدا و سیما (البته فقط برای سیما) دارای یکی از این دو ویژگی است: یا بسیار احساساتی است و با دیدن کوچک‌ترین نکته جالبی در یک فیلم همه فیلم‌ها و سریال‌های آن کشور را می‌خرد یا بسیار خجالتی است و رویش نمی‌شود به ارائه‌کنندگان هیچ فیلم و سریالی نه بگوید.

چرا ماهواره ایرانی بد است

یک منبعی که نخواست نامش فاش شود گفت: دلایل متعددی برای ناراحت شدن ما غربی‌ها (یعنی آنها غربی‌ها) از هوا کردن ماهواره توسط ایرانی‌ها موجود است. از جمله ایرانی‌ها با هوا کردن ماهواره‌ای که نه بار در شبانه‌روز دور زمین می‌گردد با هر بار گردش باعث می‌شود هی ما سرمان را بالا بگیریم و آنرا نگاه کنیم و ایرانی‌ها هم از فرصت استفاده کنند و هر کاری دلشان خواست (از جمله ساختن اتمی) روی زمین انجام دهند.

تازه خود ایرانی‌ها قانون گذاشتند که ماهواره بد است و نیروی انتظامی هر بشقابی را روی پشت‌بام دید ضبط می‌کند حالا چطور شده که رئیس جمهورشان می‌آید توی سیما و می‌گوید آفرین بر جوان‌های ما که ماهواره هوا می‌کنند. آیا این قانون‌شکنی و نقض حقوق بشر نیست؟! باز هم بگویم؟

این یکی را در وقایع اتفاقیه سال ۸۸ بخوانید

خواستیم درباره نامزدهای انتخاباتی بنویسیم ولی دیدیم این موضوع مربوط به سال دیگر است و نمی‌شود از حالا تنور را گرم کرد پس این یکی را در وقایع اتفاقیه سال بعد بخوانید.

رفع کدورت

خب، به سلامتی سوءتفاهمی که بین اتحادیه اروپا و منافقین فراری از خلق هم پیش آمده بود رفع شد و اتحادیه اروپا نام منافقین را از فهرست بدها پاک کرد.

همه اقشار یعنی...

نکته ظریف نه درباره تولید اولین خودروی تمام ایرانی است (که خودش نکته ظریفی است) نه درباره اسم بیگانه‌اش (که این هم خود نکته ظریفی است) بلکه درباره صحبت یکی از مسئولان بلندپایه شرکت سایپا است که گفته بود هدف از ساخت این خودرو تولید خودرویی مناسب برای همه اقشار است. [نقل به مضمون] اقشار مرفه که هر خودرویی مناسبشان هست، اقشار ضعیف هم که هیچ خودرویی مناسبشان نیست مگر خودروهای عمومی. می‌ماند اقشار متوسط که با توجه به امکانات ذکر شده برای این خودرو به درد قشر متوسط هم نمی‌خورد پس نتیجه می‌گیریم همه اقشار یعنی قشر مرفه. در ضمن یادمان هست درباره تندر ۹۰ و حتی پراید و... هم مشابه همین حرف‌ها زده شده بود.

صداقت «اوباما»

جناب اوباما از همان اول اولش یعنی در شروع مبارزات انتخاباتی شعار تغییر را سر داد و گفت: اگر من رئیس‌جمهور شوم کلی تغییر ایجاد می‌کنم. خیلی‌ها فکر کردند این هم مثل قبلی‌ها برادر شغال است و شعارهایش فقط جنبه تبلیغاتی دارد و مصرف انتخاباتی. ولی او از همان لحظه انتخاب شدنش به قولش عمل کرد و صداقتش را به رخ همه کشید. بله، درست از لحظه انتخاب شدنش. چون با انتخاب شدن اوباما در واقع یک رئیس سفیدپوست از کاخ سفید بیرون آمد و یک رئیس سیاه به جای او وارد کاخ سفید شد. تازه تغییرات به همین جا ختم نشد چون او با ظرافت خاصی یک وزیر خانم سیاهپوست را از کابینه بیرون انداخت و به جایش یک وزیر خانم سفید پوست را وارد کابینه کرد. این همه تغییرات بنیادی برای شروع کار و باور کردن صداقت اوباما کافی نیست؟



به یک محله نیاز مندیم

گفتند: حزب... پیشنهاد دار است و در همه لبنان - بلکه جهان - محبوبیت دارد و یک کشور و یک ملت پشت او هستند خلاصه خیلی قوی است و به همین خاطر توانست اسرائیلی‌ها را شکست دهد و آقا اصلاً قبول نیست یک حریف کوچک‌تر بیاورید تا ثابت کنیم (یعنی کنند) که اسرائیل چهارمین ارتش قوی جهان و اولین ارتش خاورمیانه است. حماس سابقه کمتر داشت و غزه به وسعت یک شهر کوچک بود. پس غزه و حماس انتخاب شدند تا قدرت اسرائیل نشان داده شود. بیست و دو روز زدند و کشتند و ویران کردند اما باز هم شکست، باز هم سرافکندگی. یعنی باز هم نتوانستند ثابت کنند که اسرائیل چهارمین ارتش جهان و اولین در خاورمیانه است.

خب، چاره‌ای نیست باید باز هم دنبال حریفی کوچک‌تر بگردیم با توجه به وسعت غزه و جمعیتی که در آن جا می‌گیرد به نظر می‌رسد این بار باید دنبال یک محله بگردیم شاید با غلبه بر آن ثابت شود که اسرائیل چهارمین ارتش قدرتمند دنیا و اولین ارتش نیرومند خاورمیانه است.



ابتکار

در سال ۱۳۸۷ ثابت شد که برای نشان دادن قدرت پوشالی یک ابرقدرت لازم نیست به اندازه او سلاح‌های مرگبار و پیشرفته و نیروهای ویژه و ورزیده داشته باشی بلکه کافی است فقط یک لنگه کفش (دمپایی هم قبول است) داشته باشی. البته برای محکم کاری و تاثیرگذاری بیش‌تر بهتر است یک جفت کفش باشد. این ابتکار جالبی بود که بلافاصله هم مورد استقبال قرار گرفت و بازارش گرم شد و بعد از آن چه کفش‌ها که به سوی چه کس‌ها پرتاب شد.

المپیک

چون در این دوره نتایج برنامه‌ریزی شده به‌طور کامل مورد دستیابی قرار نگرفت (یک نفس عمیق) و بازی‌های المپیک هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود صحبت درباره المپیک را هم می‌گذاریم برای دوره بعد. در ضمن هر مطلب که از قلم افتاده است را به بهانه این که مجله زودترها آماده و چاپ می‌شود - یا این که معمولاً دیرتر چاپ می‌شود - و در آخرین لحظات که مجله آماده برای رفتن زیر چاپ بود این موضوع اتفاق افتاد توجیه نمایید.

یوزارسیف

یکی از مسئولین بلندپایه دیدار آشنا تا ما - که ابوشهرزاد - باشیم را دید گفت: فلانی تو خیلی بی‌انصافی گفتیم: آه چرا؟! گفت: چون در داستان قحطی (دورآباد) گفته‌ای در جایی که چند نوع آب و هوا دارد، چهار فصل دارد، انواع محصولات در آنجا به عمل می‌آید و این طرف و آن طرفش دریاست نباید کمبود وجود داشته باشد و اگر کمبود باشد حتماً یک جای کار لنگ است.

گفتیم: مگر دروغ گفتیم؟

گفت: همه می‌دانند سرزمین ما سرزمین خشک و کم‌آبی است. شاهد ماجرا هم قنات‌هایی هست که در زمان‌های قدیم در این سرزمین تولید شده پس نتیجه می‌گیریم...

گفتیم: تو سریال «یوزارسیف» را می‌بینی؟

کمی کج‌کج نگاهمان کرد و گفت: ولی ما همین حالا هم گندم کم داریم.

دست پشت دست زدیم و گفتیم: می‌خواهی حرف وزیر محترم را که گفت: «ما به خودکفایی گندم رسیدیم» را زیر سوال ببری.

گفت: نه، نه منظورم این است که ما آن قدر امکانات مثل سیلو و زیلو و... نداریم.

گفتیم: هیچ می‌دانی جریان یوزارسیف مال چه زمانی است؟ مال زمان حضرت یوسف (علیه السلام) بلکه حضرت یعقوب (علیه السلام).

گفت: اصلاً حرف را عوض کنیم مثل این که تلفن همراهم زنگ زد.

گفتیم: ولی ما که چیزی نشنیدیم گوشی را به گوشش چسبانند و رفت

